



سہ ماہی مسیحی

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم

الْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَمَفَاتِيحُ السُّؤَالِ، فَاسْأَلُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَإِنَّهُ
تُؤَجَّرُ أَرْبَعَةٌ، السَّائِلُ وَالْمُتَكَلِّمُ وَالْمُسْتَمِعُ وَالْمُحِبُّ لَهُمْ.



دانش همانند گنجینه‌هایی است که کلیدهای
آنها پرسش است. پس بپرسید- خداوند شما را رحمت کند-
که در این بین چهار تن اجر ببرند:
آنکه می‌پرسد و گوینده و شنونده و دوستدار ایشان.

تحف العقول عن آل الرسول عليهم السلام، ج ۱، ص ۴۱



پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهات

یکی از اساسی‌ترین وظایف حوزه‌های علمیه است.





صہیونیسہم مسیحی

پرسمان دینی (۸۶)

بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

صہیونیسم مسیحی

پڑوہشگران
حجت الاسلام عبداللہ محمدی پارسا، آقایان
مشم شادپور و سید رضا قائمی رزکناری

مصحح
میثم شادپور

چاپ اول
مہر ماہ ۱۴۰۲



فهرست مطالب

مقدمه.....	۱۰
۱. صهیونیسم مسیحی و یهودیت.....	۱۲
نکته اول:	۱۳
نکته دوم:	۱۴
نکته سوم:	۱۷
۲. ایونجلیسم و صهیونیسم مسیحی.....	۱۹
نکته اول:	۱۹
نکته دوم:	۲۰
نکته سوم:	۲۲
۳. مورمون‌های صهیونیست.....	۲۶
نکته اول:	۲۶
نکته دوم:	۲۷
نکته سوم:	۲۹
نکته چهارم:	۳۰
۴. صهیونیسم مسیحی و نشانه‌های آخرالزمان.....	۳۴
نکته اول:	۳۴
نکته دوم:	۳۵
نکته سوم:	۳۹
۵. جنگ آرماگدون.....	۴۱
نکته اول:	۴۲



۴۳ نکته دوم:

۴۴ نکته سوم:

۴۵ نکته چهارم:

۴۶ نکته پنجم:

۴۹..... کتابنامه



مقدمه

مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مفتخر است در طی سالیان متمادی با بهره‌گیری از کارشناسان باتجربه و با رویکرد تخصصی در فرآیند پاسخگویی، میلیون‌ها پرسش از سوی اقشار مختلف جامعه را در رشته‌های «قرآن»، «حدیث»، «کلام و اعتقادات»، «تاریخ»، «اخلاق و تربیت»، «مشاوره»، «احکام شرعی» و «سیاست» پاسخ گفته است.

بخش پاسخگویی مکتوب این مرکز، به‌عنوان باسابقه‌ترین بخش، با رسالت «پاسخگویی مطلوب به سؤالات ویژه»، عهده‌دار تولید محتوای غنی و منطبق با اصول علمی تحقیق در عرصه پاسخ به سؤالات دینی است که در راستای توصیف مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای حفظه الله تعالی، بر آن شد تا مجموعه پرسش و پاسخ‌ها را به‌صورت محصولات متنوع و متعدد، در قالب کتاب و نرم‌افزار ارائه کند. این اثر حاوی چند پرسش و پاسخ پیرامون صهیونیست است که با عنوان «صهیونیسم مسیحی» تدوین شده است. رویکرد بخش مکتوب در تدوین این مجموعه رعایت اختصار در تعداد سؤال و ارائه پاسخ جامع و مستند است.

در پایان از حمایت و پیگیری ریاست مرکز ملی پاسخگویی، جناب



حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر محمدجواد اصغری و نیز از همه
کارشناسان محترم پاسخگو و تمامی افرادی که در انتشار این مجموعه
نقش ایفا کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از خداوند منان برای همه دست‌اندرکاران در فرآیند پاسخگویی به
پرسش‌های دینی، توفیق روزافزون مسئلت دارم.

مدیر بخش پاسخگویی مکتوب و رسانه

جواد مرادی



۱. صهیونیسم مسیحی و یهودیت

پرسش:

مسیحیت صهیونیستی دقیقاً چه چیزی است؟ مگر صهیونیست‌ها یهودی نیستند و یهودیان قاتلان حضرت عیسی نیستند؟! چطور شده که مسیحیت و یهودیت متحد شده‌اند؟! آیا اتحاد آن‌ها خطری برای اسلام نیست؟

پاسخ:

دین مسیحیت، با محوریت حضرت عیسی علیه‌السلام، از ادیان الهی که در سرزمین فلسطین و در میان یهودیان، ظهور یافت. این دین دارای مذاهب و فرقه‌های مختلف کاتولیک و ارتدکس و پروتستان است. کلیسای ارتدکس در قرن یازدهم، متأثر از منازعات بخش غربی و شرقی امپراتوری روم، از کلیسای کاتولیک که در بخش غربی بود، انشعاب یافت.^۱ کلیسای پروتستان نیز انشعابی از کلیسای کاتولیک بعد از اعتراضات نسبت به عملکرد کلیسا در قرن شانزدهم میلادی است.^۲ مسیحیت صهیونیستی،^۳ یکی از فرقه‌های نوظهور در مسیحیت است که متأثر از جریان

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۸۹-۱۹۲.

۲. میشل، توماس، کلام مسیحی، ص ۱۰۸.

۳. Christian Zionism.



پروتستانتیسم، در اواخر قرن ۱۹ مطرح شد^۱ و نهایتاً در اوایل قرن ۲۰ به‌عنوان یک فرقه مسیحی ظهور یافت و تثبیت شد^۲ و اینک مسیحیت صهیونیستی ۲۵ درصد از جمعیت مسیحیان آمریکا را تشکیل می‌دهد و اکثراً طرفدار حزب جمهوری‌خواه آمریکا هستند و در برخی از نظرسنجی‌ها یک‌سوم حزب جمهوری‌خواه نیز از این جریان است.^۳ در ادامه در قالب چند نکته به توضیح بیشتر می‌پردازیم:

نکته اول:

ابتدا به تعریف مسیحیت صهیونیستی می‌پردازیم. این فرقه نوظهور به شک‌های مختلفی تعریف شده است که از یک نظر می‌توان آن را به این شکل توصیف نمود:

«یک جریان افراطی مسیحی است که با تکیه بر تفاسیر تحت‌اللفظی از متون کتاب مقدس، خواهان تحقق پیشگویی‌های کتاب مقدس بر اساس عقاید تقدیرگرایانه خویش است تا از

۱. مظفری، آیت، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان».

۲. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۰.

۳. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۴.



این طریق زمینه را برای ظهور مسیح علیه-السلام در آخرالزمان فراهم آورد.^۱

- برای مسیحیت صهیونیستی، ویژگی‌هایی را ذکر کرده‌اند؛ از جمله اینکه:
- تلفیقی است از تعالیم مسیحیت (خصوصاً مکاشفات یوحنا) و یهودیت (خصوصاً تورات).
- تأکید بر ریشه‌های یهودی دین مسیحیت.
- مقابله با افکار ضد یهود.
- اعتقاد به اینکه ظهور عیسی مسیح نزدیک است.
- لزوم بسترسازی برای ظهور حضرت عیسی.
- حمایت از صهیونیسم و تعصب شدید نسبت به اسرائیل.
- تلاش برای مهاجرت یهودیان به اسرائیل.^۲

نکته دوم:

درباره رابطه مسیحیت صهیونیستی و یهودیت، گفتنی است: اگرچه مسیحیت در بستر یهودی شکل گرفت و بسیاری از مسیحیان اولیه، از یهودیان بوده‌اند؛ اما به سبب فتنه عالمان یهود علیه حضرت عیسی

۱. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی

مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۰.

۲. مظفری، آیت، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان».



علیه‌السلام و مخالفت اکثر یهودیان با دین نوظهور مسیحیت، همواره کلیسای کاتولیک، رویکرد منفی به یهودیان داشت و مستند به فرازهایی از عهد جدید، یهودیان را قاتلان حضرت عیسی علیه‌السلام تلقی می‌کرد:^۱

«هنگامی که در جلیل گرد هم آمدند، عیسی به ایشان گفت: پسر انسان به دست مردم تسلیم خواهد شد. آن‌ها او را خواهند گشت و او در روز سوّم بر خواهد خاست».^۲

این نگرش به یهودیان ادامه داشت و یهودیان در اقصی نقاط جهان، مورد آزار مسیحیان قرار می‌گرفتند؛ تا اینکه مارتین لوتر از رهبران جریان پروتستان، این نگرش را تغییر داد. وی به ریشه‌های یهودی دین مسیحیت تأکید نمود و به شکل شگفت‌انگیزی، به تحسین یهودیان اقدام کرد:

«یهودیان حامل برترین خون‌ها در رگ‌های خود هستند. روح‌القدس به‌واسطه آن‌ها کتاب مقدس را به اقصی نقاط دنیا برد. آن‌ها فرزندان خدایند. ما در مقایسه با آن‌ها بیگانه‌ایم... ما همچون سگانی هستیم که از خرده‌نان‌های بر زمین ریخته اربابان خود ارتزاق می‌کنیم».

۱. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی

مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۰.

۲. متّی ۱۷: ۲۲-۲۳؛ مرقّس ۹: ۳۰-۳۲؛ لوقا ۹: ۴۴-۴۵.



در ادامه، وی، پاپ و اسقف‌ها را رهبرانی احمق می‌نامد و به یهودیان حق می‌دهد که به مسیحیتی که چنین رهبرانی دارد، ایمان نیاورند.^۱

مسیحیت صهیونیستی، متأثر از همین مبانی فکری، نگرش مثبتی به یهودیت دارد و با توجه به عقاید آخرالزمانی درباره جنگ آرماگدون در فلسطین و لزوم مهاجرت یهودیان به آنجا و حمایت از یهودیان علیه ساکنان فلسطین، ارتباط وثیقی با یهودیان و دولت اسرائیل دارد.^۲

لازم به ذکر است که مسیحیت صهیونیستی دارای مبانی الهیاتی خاصی است که گاهی خوشایند یهودیان نیز نیست. مثلاً مسیحیت صهیونیستی اعتقاد دارد که پس از حمایت از اسرائیل و مهاجرت یهودیان به آنجا و وقوع جنگ آخرالزمانی میان خیر و شر در آرماگدون (منطقه‌ای نزدیک بیت‌المقدس)، نهایتاً عیسی مسیح ظهور می‌کند و دین یهودیت از بین می‌رود بدین گونه که یک‌سوم یهودیان، مسیحی می‌شوند و دوسوم که مسیحی نمی‌شوند، از بین می‌روند.^۳

۱. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی

مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۰-۱۴۱.

۲. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی

مسیحیت صهیونیستی»، ص ۱۴۴-۱۴۸.

۳. Burr, Elizabeth And Smith, David Whitten And Burr, Elizabeth Geraldine, *Understanding World Religions: A Road Map for Justice and Peace*, USA, p. ۱۰۹.



نکته سوم:

مسیحیت صهیونیستی به سبب عقاید آخرالزمانی و نفوذی که بر دولت آمریکا دارد^۱ و همچنین، هم‌پیمانی با اسرائیل و حمایت همه‌جانبه از این دولت غاصب برای حاکمیت تام بر سرزمین فلسطین، قطعاً از جریان‌های خطرناک برای دین اسلام و جوامع و دولت‌های مسلمان است. این گروه اگرچه منتظر ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام هستند و از این جهت، با مسلمانان اشتراک نظر دارند؛ اما به سبب تفسیر انحرافی از حضرت عیسی علیه‌السلام - که هم در این فرقه نوظهور و هم در سایر مذاهب مسیحی وجود دارد - آن‌ها نه اعتقادی به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله دارند و نه اعتقادی به امام مهدی عجل‌الله‌تعالی فرجه. آن‌ها هرگونه مخالفی را مصداق شرّ دانسته که باید دولت آمریکا بر آن غلبه یابد و به همین جهت، همواره بر تجهیز نظامی آمریکا و قدرتمندتر شدن آن اصرار می‌ورزند و با

۱. تا جایی که گریس هالسل که روزگاری خودش در کاخ سفید مشغول به کار بود، در کتابش با عنوان «تدارک جنگ بزرگ»، با مستندات بسیار، نشان می‌دهد که رونالد ریگان (چهلیمین رئیس‌جمهور آمریکا) به الهیات مسیحیت صهیونیستی و جنگ آرماگدون، اعتقاد داشت. (برای مطالعه بیشتر، رک: هالسل، گریس، تدارک جنگ بزرگ (بر اساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل)، ص ۸۰-۸۱).



انعدام تسلیحات آمریکا یا محدودسازی آن‌ها به شدت مخالف‌اند.^۱

نتیجه:

مسیحیت صهیونیستی، از فرقه‌های نوظهور است که متأثر از نگرش پروتستانی در مسیحیت، رویکرد مثبت به یهودیت دارد و به سبب عقاید آخرالزمانی، از دولت اسرائیل و حاکمیت تام آن بر فلسطین دفاع می‌کند. این جریان در جامعه و دولت آمریکا، حضور مؤثری دارد و مهم‌ترین حامی اسرائیل در آمریکا می‌باشند و روابط محکمی با دولت اسرائیل دارد. اگرچه برخی از آموزه‌های مسیحیت صهیونیستی درباره آخرالزمان، مشابه آموزه‌های دین اسلام است؛ اما به سبب تفسیر نژادپرستانه از یهودیت و تفسیر انحصارگرایانه از مسیحیت و منجی آخرالزمان، دیدگاه آن‌ها در تقابل با دیدگاه اسلام است و برای اسلام و جوامع و دولت‌های مسلمان، به شدت خطرناک می‌باشند و باید نسبت به فتنه‌های آن‌ها هوشیار بود.

کلمات کلیدی:

مسیحیت، مسیحیت صهیونیستی، صهیونیسم مسیحی، پروتستان‌تیزم، آمریکا، اسرائیل.

۱. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی



۲. ایونجلیسم و صهیونیسم مسیحی

پرسش:

آیا ایونجلیسم فرقه جدید مسیحی در مقابل سایر فرقه‌های مسیحی است؟ چه تعالیم و باورهایی دارد و چرا به‌عنوان یک «ایسم» (مکتب) در مسیحیت شناخته می‌شود؟ آیا این درست است که آن‌ها صهیونیست و حامی اسرائیل هستند؟

پاسخ:

مسیحیت از ادیان الهی است که متأثر از مناقشات سیاسی و مذهبی، دارای فرقه‌های مختلفی شد. ابتدا مسیحیت به دو فرقه کاتولیک و ارتدکس تقسیم شد و پس از مدتی، از درون کاتولیک‌ها، جریان پروتستان به وجود آمد و این جریان نواندیش مسیحی نیز به‌مرور زمان دارای زیرشاخه‌های متنوعی شد. سایر فرقه‌ها و مذاهب مسیحی، عمدتاً زیرمجموعه یکی از مذاهب اصلی کاتولیک، ارتدکس و پروتستان هستند. با عنایت به این مقدمه، به پرسش حاضر می‌پردازیم و نکاتی را تقدیم می‌کنیم:

نکته اول:

مسیحیت پروتستان در راستای نقد انحصار مرجعیت دینی پاپ و مسیحیت کاتولیک و اعمال برخی واعظان و کشیشان کاتولیک به وجود آمد. اصولاً تأسیس این فرقه را به کشیشی آلمانی به نام مارتین لوتر نسبت می‌دهند. لوتر بارد سلسله مراتب موجود در روحانیون کلیسای کاتولیک، ابراز داشت که مردم عادی باید نقش مهم‌تری در مراسم عبادی و رهبری دینی داشته باشند. او از یکسو سلطه پاپ را مردود شمرد و به کلیساهای محلی و



منطقه‌ای اعتبار بخشید و از سوی دیگر کتاب مقدس را به زبان آلمانی ترجمه کرد تا مردم عادی نیز بتوانند از آن بهره برده و فهم و خواندن کتاب مقدس که به زبان لاتین و در اختیار کشیشان بود، از انحصار آن‌ها خارج شود.^۱ به عبارت دیگر از نگاه لوتر همه مؤمنان در مقام کشیش هستند و می‌توانند کتاب مقدس را بخوانند و تفسیر کنند. اعمال لوتر و مصلحان دیگر باعث شد که امروزه جوامع و کلیساهای مسیحی کوچک و بزرگ بی‌شماری در سرتاسر جهان و بخصوص آمریکای شمالی به وجود آید که همگی زیرمجموعه کلیسای پروتستان به حساب می‌آیند و با توجه به تعلیمات لوتر، مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و معمولاً یکی از آموزه‌های مسیحی در آن‌ها جلوه و برجستگی بیشتری دارد. یکی از این کلیساهای کلیسای مسیحیت انجیلی یا ایونجلیسم (Evangelicalism) است.

نکته دوم:

مسیحیت انجیلی به واقع تنها یک فرقه مذهبی با اعمال عبادی صرف نیست، بلکه یک ایده و یک نظریه است و به همین دلیل نیز به‌عنوان یک مکتب فکری و «ایسم» شناخته می‌شود. توضیح بیشتر اینکه مسیحیان انجیلی تعالیم و عقایدی دارند که آن‌ها را تبدیل به یک مکتب فکری عمل‌گرا کرده است. برخی از عقاید مسیحیان انجیلی عبارت‌اند از:

۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۹۲ و ۱۹۶.



الف) تولد دوباره: تولد دوباره مفهومی معنوی است و اشاره به برقراری ارتباط شخصی میان فرد و عیسی مسیح دارد. بر اساس این تفکر، نجات تنها با تولد دوباره محقق می‌شود که به معنای برقراری یک رابطه شخصی و صمیمی با عیسی مسیح (و نه کلیسا) است و فرد از این طریق به بازسازی دوباره روح خود اقدام می‌کند؛ به عبارت دیگر رستگاری و آمرزش تنها از طریق برقراری یک رابطه شخصی میان فرد و عیسی مسیح تحقق می‌یابد و کلیسا و کشیش در این مورد هیچ نقشی ندارند.^۱ از آنجاکه کتاب مقدس نزد مسیحیان انجیلی بسیار مورد توجه است، آن‌ها اصولاً عقاید خود را مستند به فقرات و آیات کتاب مقدس می‌کنند. این آموزه نیز مستند به بیانی از حضرت عیسی مسیح علیه‌السلام در کتاب مقدس است که می‌فرماید:

«یقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را

ببیند».^۲

ب) توجه بسیار زیاد به کتاب مقدس و اعتقاد سخت به سندیت و اعتبار آن: از نظر مسیحیت انجیلی، کتاب مقدس دارای اعتبار و سندیت قطعی است و هر دو بخش آن (عهد قدیم و عهد جدید) به یک اندازه باید مورد توجه و عمل قرار گیرد. از این رو آن‌ها شعار خود را بازگشت به کتاب مقدس (عهدین) قرار داده‌اند و سعی می‌کنند به همه فقرات کتاب مقدس

^۱ Wood, William W, *Culture and Personality Aspects of the Pentecostal Holiness Religion*, p, ۱۸.

^۲ انجیل یوحنا، ۳:۳.



توجه کرده و به آن عمل نمایند. از آنجاکه عهد قدیم کتاب مقدس یهودیان نیز به شمار می‌آید، گرایشات یهودی نسبتاً قوی در میان مسیحیان انجیلی وجود دارد و برخلاف دیگر مسیحیان و بخصوص مسیحیان کاتولیک، رابطه خوبی با یهودیان داشته و دارند.^۱

ج) تلاش گسترده برای آموزش و گسترش کتاب مقدس: توجه و دلدادگی فوق‌العاده مسیحیان انجیلی به کتاب مقدس باعث شد آن‌ها در گسترش کتاب مقدس در میان مردم تلاش فوق‌العاده‌ای به خرج دهند و مبلغان فراوانی را برای آموزش آن استخدام کنند. این مبلغان در بسیاری از موارد واعظانی پرشور بودند که تمام تلاش خود را در راه تبلیغ مسیحیت انجیلی و گسترش نفوذ کتاب مقدس انجام دادند.^۲ تلاش‌های آن‌ها باعث شد که امروزه جمعیت قابل توجهی از مسیحیان، مسیحیان انجیلی باشند که اکثر آن‌ها در آمریکا حضور دارند به طوری که مسیحیان انجیلی در آمریکا، بزرگ‌ترین گروه مذهبی این کشور هستند و یک‌چهارم جمعیت آن کشور را تشکیل می‌دهند.^۳

نکته سوم:

در کنار تعالیم نظری و فردی، مسیحیان انجیلی، تعالیم دیگری نیز دارند که

^۱ Sweet, Leonard I, *The Evangelical Tradition in America*, p. ۱۳۲

^۲ Bebbington, David W, *Evangelicalism in Modern Britain: A History from the ۱۷۳۰s to the ۱۹۸۰s*, p. ۱۲

^۳ Smith, Gregory A. Masci, David, "۵ facts about U.S. evangelical Protestants".



جنبه‌های اجتماعی و سیاسی قوی و گسترده‌ای پیدا کرده است. به‌طور کلی پروتستان‌ها و در رأس آن‌ها مارتین لوتر گرایشات یهودی داشته‌اند و نگارش کتاب «مسیح یک یهودی زاده شد» توسط او، باعث شد که بسیاری فرقه پروتستان را مسیحیتی بدانند که بر شالوده‌های یهودی شکل گرفته است.^۱ یک‌صد سال بعد از لوتر، پیوریتن‌ها که یک گروه مذهبی پروتستان با گرایشات یهودی بودند، در انگلستان به وجود آمدند که تمامی هنجارهای اخلاقی آن‌ها منطبق با عهد قدیم بود. آن‌ها با سرنگونی پادشاه، قدرت فوق‌العاده‌ای در انگلستان گرفتند و تا مدتی حکومت در دست آن‌ها بود. بعدها بسیاری از پیوریتن‌ها از انگلستان به سرزمین جدید یعنی آمریکا کوچ کردند و به این صورت، بنیان‌های جامعه و دولت در آمریکا، بر پایه‌های تفکرات پیوریتن‌ها شکل گرفت.^۲ مسیحیت انجیلی نیز از دل پیوریتن‌ها بیرون آمد و به همین دلیل نیز در جامعه و حاکمیت آمریکا، نقش و تأثیر بالایی دارند.

همان‌طور که گفتیم، مسیحیان انجیلی به اعتبار و سندیت کتاب مقدس (عهدین) ایمان راسخ دارند و برای تحقق آموزه‌ها و وعده‌های آن تلاش و تبلیغ وافر از خود نشان می‌دهند. یکی از این آموزه‌ها در عهد قدیم، بازگشت دوباره بنی اسرائیل به سرزمین موعود و برپایی حکومت یهودی است و به باور این گروه، بازگشت حضرت مسیح علیه‌السلام و برپایی

۱. هلال، رضا، «مسیح یهودی و فرجام جهانی»، ص ۲۱.

۲. شیرودی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت»، ص ۱۰۴.



حکومت جهانی الهی توسط ایشان، منوط به تشکیل حکومت یهودی در ارض موعود است. بر این اساس مسیحیان انجیلی به شدت از مهاجرت یهودیان به فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل حمایت می‌کنند. حتی آن‌ها به جهت تأکید بر آموزه‌های کتاب مقدس اعتقاد دارند که این حکومت باید از نیل تا فرات امتداد داشته باشد تا وعده خداوند به طور کامل تحقق یابد و ناگفته پیداست که در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکرده و نمی‌کنند. این تلاش مسیحیت انجیلی برای استقرار حکومت یهودی در فلسطین و حمایت آن‌ها از این مسئله، به طور طبیعی باعث شده که آن‌ها روابط بسیار نزدیکی با دولت غاصب اسرائیل داشته باشند و از تمام طرح‌های آن، حمایت کنند. مثلاً آن‌ها به شدت از انتقال پایتخت اسرائیل به «بیت‌المقدس» حمایت می‌کنند چراکه تشکیل دولت یهودی را بدون آنکه مرکز و پایتخت آن بیت‌المقدس یا اورشلیم باشد، بی‌معنا و ناتمام به حساب می‌آورند؛^۱ چنانکه گفته شده، اصرار ترامپ و دولت آمریکا مبنی بر اعلام بیت‌المقدس به عنوان پایتخت رژیم غاصب اسرائیل در سال ۲۰۱۷ م، بیشتر سویه دینی دارد و متأثر از ایونجلیست بودن ترامپ و بسیاری از طرفدارانش است.^۲

۱. شبرودی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت»، ص ۱۰۵-۱۰۹.

۲. «این سیاست اخیرش [= ترامپ] درباره بیت‌المقدس، واقع این است این مسئله بیش از آنکه متأثر از سیاست خارجی و مصالح و منافع آمریکا، چه در قبال اسرائیل چه در قبال رقبای اسرائیل یعنی عرب‌ها یا به طور کلی افکار عمومی باشد، عمدتاً دارای بُعد دینی است. این بُعد



نتیجه:

مسیحیت انجیلی یا ایونجلیسم یک گروه فکری زیرمجموعه پروتستان‌ها به حساب می‌آید. آن‌ها به جهت معصوم و معتبر دانستن کتاب مقدس (عهدین) تمام تلاش خود را در راه تبلیغ و تحقق آموزه‌های کتاب مقدس به کار می‌بندند. یکی از این آموزه‌ها در عهد قدیم، وعده بازگشت یهودیان به ارض موعود و تشکیل حکومت یهودی است. مسیحیان انجیلی از آنجاکه این امر را پیش‌زمینه تحقق حکومت جهانی و الهی حضرت مسیح علیه‌السلام می‌دانند، در راه تحقق آن از هیچ کوششی فروگذار نیستند. آن‌ها بجهت موقعیت بسیار ممتازی که در حکومت آمریکا دارند و با در اختیار داشتن شبکه‌های تلویزیونی و خبری فراوان، تمام تلاش خود را بر استقرار و قدرت یافتن دولت غاصب اسرائیل در فلسطین انجام داده و می‌دهند.

کلمات کلیدی:

ایونجلیسم، فرقه جدید مسیحی، فرقه‌های مسیحی، صهیونیست، حامی اسرائیل.

دینی هم دارای دو قسمت است: یک قسمت به خود شخص ترامپ برمی‌گردد که مسیحی ایونجلیست است و قسمت دیگر هم به مسیحیان ایونجلیست در داخل آمریکا مربوط می‌شود.»
برای مطالعه بیشتر، رک: مسجد جامعی، محمد، نگاه ترامپ به قدس بیشتر مذهبی است تا سیاسی، پایگاه خبر آنلاین، ۱۳۹۶/۱۰/۲۳، کد خبر: ۷۴۵۵۶۶، لینک:



۳. مورمون‌های صهیونیست

پرسش:

مورمون‌ها چه کسانی هستند و چه عقایدی دارند؟ آیا این درست است که آن‌ها تفکرات صهیونیستی دارند و بر این باورند که حکومت موعود آخرالزمان در آمریکا تشکیل می‌شود؟

پاسخ:

«مورمونیزم»^۱ یکی از فرقه‌های نوپدید مسیحی در قرن نوزدهم است که خود را احیاکننده مسیحیت راستین می‌داند و به سبب شبکه تبلیغی قوی، گسترش قابل توجهی در جهان یافته است. این فرقه مسیحی، اگرچه در تعالیم بنیادین مسیحیت، فرق چندانی با مسیحیت ندارد، اما به سبب برخی از آموزه‌هایش، از سوی جهان مسیحیت به رسمیت شناخته نشده و طرفدارانش طرد می‌شوند.^۲ در ادامه در قالب چند نکته به بررسی عقاید مورمونیزم می‌پردازیم:

نکته اول:

مورمونیزم فرقه‌ای نوپدید در جهان مسیحیت است که توسط «جوزف اسمیت» پایه‌گذاری شده است. این فرقه تحت تأثیر پروتستانیزم و پیوریتن‌ها ایجاد شد؛ جریانی که به دنبال بازگشت به مسیحیت اولیه و

^۱.Mormonism.

^۲. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش



نجات انسان بود و خود را منتخب خدا برای ایجاد «اورشلیم جدید» یا «شهر صهیون» می‌دانستند.^۱ جوزف و خانواده‌اش متأثر از همین جریان، به دنبال مسیحیت راستین و کلیسای حقیقی بودند که در همین میان، جوزف، چنین ادعا کرد که در چهارده‌سالگی در مکاشفه‌ای مأمور به احیای مسیحیت و بازگشت به انجیل و تشکیل شهر صهیون شده و در هجده‌سالگی توسط فرشته‌ای محل اختفای الواح زرین به او معرفی شده است.^۲

نکته دوم:

بنا بر مکاشفاتی که جوزف آن‌ها را ادعا می‌کرد، حضرت عیسی بعد از به صلیب کشیده شدن و عروج یافتن به ملکوت خدا، پس از سال‌ها در آمریکا رستاخیز یافت و آنجا کلیسایی تشکیل داد و انجیل را به ساکنان آن دیار، تعلیم داد. به باور او، اولین ساکنان آمریکا، گروهی از اسرائیلی‌ها بودند که سال‌ها قبل از ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام، به آمریکا آمده بودند. گروهی از آن‌ها ایمانشان را از دست دادند اما گروهی نیز در آمریکا ایمانشان را حفظ کردند که بومیان آمریکا از همین دسته اخیر هستند و خودشان به دو گروه تقسیم شدند: لامانایت‌ها که سرخ‌پوستان از این نژاد هستند و نفایت‌ها که حضرت عیسی پس از رستاخیز بر این گروه ظاهر

^۱ Hanks, Maxine with Jean Kinney Williams, *Mormon Faith in America, Mircea Eliade, The Encyclopedia of Religion*, , Vol. ۱۰, p.۸.

^۲ اسمارت، نینیان، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۲۶۶؛ مولند، اینار، جهان مسیحیت، ص ۴۷۸.



شد و آن‌ها را مسیحی ساخت و انجیل را به آن‌ها یاد داد و کلیسایی برایشان تشکیل داد. بعد از نابودی نغایت‌ها، یک نفر از آن‌ها به نام مورون تعالیم حضرت عیسی را روی الواح ثبت کرد و پسرش به نام مورونی این الواح را زیر خاک دفن کرد تا اینکه قرن‌ها بعد توسط جوزف اسمیت، این الواح مجدداً کشف شدند. به گفته جوزف، فرشته‌ای، محل پنهان شدن این الواح را به او نشان داده و جوزف توسط عینکی که همراه الواح بوده، این کتاب را خوانده و ترجمه کرده و مجدداً این الواح را به فرشته تحویل داده است. در این کتاب، به شرح مواظ حضرت عیسی پس از رستاخیز در میان جامعه بدوی آمریکا اشاره شده است. جوزف معتقد بود که باید این الواح را محور قرار داد چراکه آخرین نسخه تعالیم حضرت عیسی پس از رستاخیز هستند و بنا بر آنچه بر او وحی شده، تمامی کلیساهای دیگر اشتباه می‌کنند و از تعالیم حضرت عیسی دور مانده‌اند و او باید تعالیم حضرت عیسی را مستند به این الواح، مجدداً احیاء کند.^۱ پس از آن بود که اسمیت «کلیسای عیسی مسیح وابسته به قدیسین آخرالزمان» معروف به «کلیسای LDS» را تأسیس نمود و کسانی که عضو این کلیسا باشند را مورمون نامیدند.^۲

۱. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش

مورمونیسیم»، ص ۲۷-۳۰.

۲. Hanks, Maxine with Jean Kinney Williams, *Mormon Faith in America*, Vol. ۱۰, p. ۱۱.



نکته سوم:

مورمون‌ها در ابتدای تأسیس، فرق چندانی با مسیحیت مرسوم نداشتند، اما به مرور زمان تعالیم و آموزه‌هایی را مطرح کردند که با مسیحیت مرسوم در تقابل بود:

- مفاد ایمان در مورمون‌یسم و مسیحیت مرسوم متفاوت است. در مسیحیت مرسوم، ایمان، اقرار به خدایی حضرت عیسی است؛ اما مورمون‌ها، ایمان را اقرار به نجات‌بخش بودن حضرت عیسی و اقرار به پیامبری جوزف می‌دانند.
 - شیوه تعمیم در مورمون‌یسم، متفاوت از مسیحیت مرسوم است. در مسیحیت مرسوم، با شست‌وشو و اذکار خاص، تعمیم انجام می‌شود؛ اما مورمون‌ها معتقدند که یک کشیش مورمونی می‌تواند با گستردن دست‌ها بر سر شخص، تعمیم را انجام دهد.
 - مسیحیت مرسوم، هم از توحید دفاع می‌کند و هم از تثلیث؛ بدین بیان که خداوند یکی است با سه شخصیت که یکی از آن‌ها حضرت عیسی است که هم دارای جنبه الهی است و هم دارای جنبه انسانی؛ اما مورمون‌ها خدا را دارای سه شخصیت می‌دانند، بلکه جهان را دارای خدایان متعدد می‌دانند و فراتر از این، خدا را موجودی انسانی می‌دانند که خود را به مقام خدایی رسانده و هر انسانی نیز می‌تواند به این مقام دست یابد.
 - مورمون‌ها ماده و روح را ازلی و ابدی و غیر مخلوق می‌دانند.
- درحالی‌که در مسیحیت مرسوم، چنین اعتقادی وجود ندارد و جز خداوند همگی مخلوق به حساب می‌آیند.



• از نظر مسیحیت مرسوم، همان‌طور که گناه نخستین حضرت آدم، طبیعت همه انسان‌های برخاسته از نسل او را فاسد کرد، یک عمل کاملاً نیک که همان مرگ خدای متجسد (حضرت عیسی) است، همه مؤمنان به این رخداد تاریخی را نجات می‌دهد. گناه آدم مرگ را در پی آورد و فیض خدا حیات جاودان را به بشر ارزانی داشت؛ اما از نظر مورمون‌ها ذات بشر پاک است و هر کس بر اساس معرفت و اعمالش به نجات دست می‌یابد.^۱

نکته چهارم:

از اصلی‌ترین دغدغه‌های جوزف اسمیت، زمینه‌سازی برای ظهور مجدد حضرت عیسی است که بنا ساختن شهر صهیون و جمع شدن پیروان کلیسای عیسی مسیح در آمریکا، یکی از مهم‌ترین آن‌ها است. در همین راستا، وی یکی از اصول ایمان مورمون‌ها را این‌چنین می‌نویسد:

«ما ایمان داریم به معنای تحت‌اللفظی جمع شدن بنی‌اسرائیل و بازگشت ده قبیله و اینکه صهیون (اورشلیم جدید) در قاره آمریکا بنا خواهد شد و مسیح شخصاً بر زمین حکومت خواهد کرد و زمین نو خواهد شد و جلال و شکوه خود را دریافت خواهد کرد».^۲

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، رک: توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت

اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمونیزم»، ص ۴۰-۴۴.

۲. صادق نیا، مهاب، رضا کاظمی راد، «مقایسه نقش موعودباوری در پیدایش دو فرقه

مورمونیزم و شیخیه»، ص ۲۲-۲۳.



با عنایت به این مطالب، روشن می‌شود که وی دارای تفکرات صهیونیستی است و نگرش مقدس‌مآبانه‌ای به آمریکا دارد. در همین راستا، وی در سال ۱۸۴۴م، اعلام کرد که به‌منظور سازمان‌دهی ملکوت خدا بر روی زمین نامزد انتخابات ریاست جمهوری آمریکا خواهد شد؛^۱ اما در همین سال به قتل رسید^۲ و بعد از مدتی، مورمون‌ها، بریگام یونگ از مبلغان مورمونی به‌عنوان رهبر جامعه مورمون پذیرفتند. وی موفق شد که حکومتی دینی بر اساس عقاید مورمون‌ها تشکیل دهد.^۳ پس از او، وودراف، یکی دیگر از رهبران مورمون‌یسم، در تعامل با دولت آمریکا، از حکومت دینی مورمونی چشم‌پوشی کرد و در عوض، سرزمین آن‌ها به‌عنوان ایالتی از آمریکا به رسمیت شناخته شد و دارای حق رأی و امکان کاندیدا شدن در جامعه سیاسی آمریکا شدند.^۴ مورمون‌ها به‌واسطه رهبری دیوید مک‌کی، به نفوذ فرهنگی و سیاسی قابل‌توجهی در آمریکا و اروپا دست یافتند تا جایی که گفته شده جمعیت آن‌ها در سراسر جهان رشد چشمگیری داشت و بعدها

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: توفیقی، فاطمه، «کلیسای مورمون».

۲. توسل توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمون‌یسم»، ص ۳۲.

۳. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمون‌یسم»، ص ۳۲-۳۳.

۴. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمون‌یسم»، ص ۳۶.



تأثیرات بسزایی در انتخابات آمریکا (مثلاً انتخاب میت رامنی - که یک مورمونی و دارای والدین مورمونی است - به عنوان فرماندار ایالت ماساچوست در سال ۲۰۰۲ م و سپس کاندیدا شدنش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۲۰۱۲ م) ایفاء نمودند و عمدتاً از طرفداران سنتی حزب جمهوری خواه در آمریکا به حساب می آیند.^۱

مورمون‌ها اگرچه معتقدند که حکومت آخرالزمانی حضرت عیسی در آمریکا مستقر خواهد شد (اورشلیم جدید) اما همواره خواستار بازگشت یهودیان به فلسطین (اورشلیم قدیم) بوده و پس از تشکیل دولت اسرائیل در فلسطین، از آن حمایت کرده و می کنند.^۲

نتیجه:

مورمون‌نویسم یکی از فرقه‌های نوظهور در جهان مسیحیت است که توسط جوزف اسمیت ایجاد شد و تأکید خاصی بر ریشه‌های یهودی مسیحیت دارد. اسمیت و طرفدارانش، به انحراف کلیسا معتقد بودند و از احیای مسیحیت راستین و تشکیل آرمان شهر در آمریکا سخن می گفتند که از زمینه‌های ظهور مجدد حضرت عیسی در آمریکا است. آن‌ها دارای تفکرات

۱. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمون‌نویسم»، ص ۳۶-۳۷.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: صاحب خلق، نصیر، «مسیحیت صهیونیستی»؛ همچنین، رک: حسینی، قاصدک، «مورمون‌ها؛ حامیان دولت یهود»، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۵/۱۰/۲۰، لینک:



صهیونیستی بوده و از مسیحیان صهیونیست به حساب می‌آیند و تأثیرات سیاسی و فرهنگی قابل توجهی بر آمریکا و اروپا داشته و دارند و از بازگشت یهودیان به فلسطین و استقرار دولت اسرائیل در آنجا حمایت می‌کنند. از این رو، می‌توان آن‌ها را دارای تفکرات یهودی و مسیحی دانست که نگاه مقدس مآبانه ای به آمریکا و اسرائیل دارند.

کلمات کلیدی:

مسیحیت صهیونیستی، مورمونیسیم، فرقه‌های مسیحی، رستاخیز حضرت عیسی.



۴. صهیونیسم مسیحی و نشانه‌های آخرالزمان

پرسش:

می‌دانیم که ظهور امام زمان با ظهور حضرت عیسی هم‌زمان است و ظهور امام زمان دارای علائم و شرایطی است. می‌خواستم بدانم صهیونیست‌های مسیحی چه شرایط و علائمی برای ظهور ذکر کرده‌اند و آیا آن‌ها نیز ظهور را نزدیک می‌دانند؟

پاسخ:

آخرالزمان و ظهور منجی در آن دوره، از جمله باورهای مشترک میان اسلام و مسیحیت است. آن دوران دارای نشانه‌هایی است که در متون دینی اسلام و مسیحیت بازتاب یافته است و گروهی از مسیحیان که معروف به مسیحیان صهیونیست هستند، معتقدند که ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام نزدیک است و باید شرایط را برای ظهور ایشان فراهم کرد.^۱ در این نوشتار، در قالب چند نکته، به بررسی این مطالب می‌پردازیم.

نکته اول:

اکثر مسیحیان، حضرت عیسی علیه‌السلام را دارای دو جنبه خدا-انسان دانسته و معتقدند که خدا در قالب عیسی تجسد یافت و به دنیا آمد تا از

۱. مظفری، آیت، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان».

۲. مراد از ملکوت خدا، تشکیل حکومت الهی در زمین توسط حضرت عیسی علیه‌السلام به‌منظور تحقق آرمان‌های معنوی و اجتماعی است.



طریق رنج کشیدن و به صلیب آویخته شدن، هم ذات ناپاک انسان‌ها را تطهیر کند و هم ملکوت خدا در زمین را محقق سازد.^۱ با توجه به اینکه حضرت عیسی علیه‌السلام در گذشته فرصت نیافت ملکوت خدا در زمین را محقق سازد، مسیحیان معتقدند که او در آخرالزمان باز خواهد گشت و این ملکوت را محقق خواهد ساخت.^۲ بازگشت حضرت عیسی در فرازهای مختلف کتاب مقدس مسیحیان، بیان شده است:

«مراقب باشید که بازگشت ناگهانی من، شما را غافلگیر نکند! نگذارید پرخوری، میگساری و غم و غصه‌های زندگی شما را مانند سایر مردم دنیا به خود مشغول سازند. بلکه هر لحظه چشم به راه من باشید».^۳

نکته دوم:

رستاخیز مجدد حضرت عیسی علیه‌السلام و بازگشت او به زمین، با نشانه‌هایی همراه است که در کتاب مقدس مسیحیان به برخی از آنها اشاره شده است که برخی از این علائم و شرایط، مشابه است با آن علائم و شرایطی که شیعیان برای ظهور هم‌زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه و حضرت عیسی علیه‌السلام ذکر کرده‌اند.

۱. جوانشیر، موسی، «تقایسه گونه شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه»، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲. جوانشیر، موسی، «تقایسه گونه شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه»، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳. لوقا، ۲۱: ۳۴-۳۵.



برای نمونه، مسیحیان، ظهور «دَجَّال» را از نشانه‌های ظهور حضرت عیسی می‌دانند. «دجال» واژه عبری به معنای «ضد خدا» است که مسیحیان آن را به «ضد عیسی» تفسیر می‌کنند. دجال، فرد یا مجموعه افرادی است که در آخرالزمان ظهور کرده و در تقابل با حضرت عیسی، به اقداماتی دست می‌زنند و پرچم ضدیت و دشمنی با ایشان را به دست می‌گیرند.^۱ در عهد جدید از یوحنا نقل شده که در یکی از نامه‌ها به مسیحیان نوشته است:

«فرزندان عزیزم، پایان دنیا نزدیک شده است. شما حتماً درباره ظهور دَجَّال که دشمن مسیح است چیزهایی شنیده‌اید. حتی الآن نیز مخالفین مسیح همه‌جا دیده می‌شوند و از همین متوجه می‌شویم که پایان دنیا نزدیک شده است».^۲

در روایات موجود در منابع شیعه نیز به خروج دجال قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه اشاره شده است و آن را از نشانه‌های ظهور دانسته‌اند.^۳

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور، جنگ بزرگ در آخرالزمان است که در منابع

۱. هدایتی، فاطمه و محسن نورائی، «بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت»، ص ۲۳۱-۲۳۲.

۲. اول یوحنا، ۲: ۱۸.

۳. هدایتی، فاطمه و محسن نورائی، «بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت»، ص ۲۳۲.



مسیحی آن را «آرماگدون» و در منابع شیعی آن را «قرقیسا» نام نهاده‌اند.^۱ در مکاشفه یوحنا که بسیاری از حوادث آخرالزمانی در آن بازتاب یافته است، چنین آمده است:

«آنگاه تمام لشکرهای جهان را در محلی گردآوردند که به زبان

عبری آن را «حارمجدون» (یعنی «کوه مجدو») می‌نامند.^۲

علی‌رغم اینکه نبرد آرماگدون در منابع مسیحی خیلی بازتاب نیافته، این رخداد مورد توجه مسیحیان معاصر واقع شده و بنا بر گزارش یکی از مؤسسات غربی، در سال ۱۹۸۵ م، ۶۱ میلیون آمریکایی منتظر این واقعه هستند.

همچنین، گریس هالسل که روزگاری خودش در کاخ سفید مشغول به کار بود، در کتابش با عنوان «تدراک جنگ بزرگ»، با مستندات بسیار، نشان می‌دهد که رونالد ریگان (چهلمین رئیس‌جمهور آمریکا) به جنگ آرماگدون، اعتقاد داشته و گفته است:

«همه پیشگویی‌های دیگر که باید پیش از هارمجدون تحقق پیدا کنند، عملی شده‌اند ... نخستین بار است که همه چیز برای تحقق هارمجدون و دومین ظهور مسیح در جای خودش قرار گرفته

۱. هدایتی، فاطمه و محسن نورائی، «بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت

و مسیحیت»، ص ۲۳۳.

۲. مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۶.



است»^۱.

یکی دیگر از نشانه‌های ظهور که در منابع شیعی و مسیحی به صورت مشترک آمده است، پر شدن جهان از ظلم و جور است. برای نمونه، در انجیل لوقا آمده است:

«قوم‌ها و ممالک علیه یکدیگر به جنگ بر خواهند خاست. زلزله‌های عظیم، قحطی‌ها و بیماری‌های مسری در بسیاری از نقاط روی خواهد داد و در آسمان نیز چیزهای عجیب و هولناک دیده خواهد شد؛ اما قبل از این وقایع، دوره آزار و جفا و شکنجه پیش خواهد آمد. شما را به خاطر نام من، به عبادتگاه‌ها، زندان‌ها و به حضور پادشاهان و فرمانروایان خواهند کشاند»^۲.
افزون بر موارد یادشده، بلاای طبیعی و اتفاقات عجیب آسمانی -مثلاً ندای آسمانی، آتش از آسمان، خسوف و کسوف- نیز از نشانه‌های ظهور است. برای نمونه در انجیل مرقس آمده است:

«پس از این مصیبت‌ها، خورشید تیره‌وتر خواهد شد و ماه دیگر نخواهد درخشید، ستاره‌ها خواهند افتاد و آسمان دگرگون خواهد شد. آنگاه تمام مردم، مرا خواهند دید که در ابرها

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: هالسل، گریس، تدارک جنگ بزرگ (بر اساس پیش‌گویی‌های انبیای

بنی‌اسرائیل)، ص ۸۰-۸۱.

۲. لوقا، ۲۱: ۱۰-۱۲.



با قدرت و شکوه عظیم می‌آیم»^۱.

نشانه‌های یادشده برای ظهور حضرت عیسی علیه‌السلام در منابع مسیحی، مشابه است با نشانه‌هایی که در منابع روایی شیعه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه ذکرشده است که به سبب اختصار از ذکر آن‌ها پرهیز شد.^۲

نکته سوم:

با عنایت به آنچه گذشت، روشن می‌شود که همه مسیحیان، به بازگشت حضرت عیسی علیه‌السلام معتقدند و برای این بازگشت، نشانه‌هایی را ذکر می‌کنند. با این حال، گروهی از مسیحیان، تأکید ویژه‌ای بر بازگشت حضرت عیسی داشته و آن را قریب‌الوقوع می‌دانند. این گروه که بخش قابل توجهی از مسیحیان آمریکا هستند و در حزب جمهوری‌خواه آمریکا نیز حضور پررنگی دارند، بانام «مسیحیان صهیونیست» یا «صهیونیست‌های مسیحی» شناخته می‌شوند. آن‌ها باینکه مسیحی هستند، اما توجه ویژه‌ای به یهودیان و دولت اسرائیل دارند و معتقدند، ظهور عیسی مسیح نزدیک است و باید شرایط و بستر ظهور را فراهم کرد و در این راستا، باید از بازگشت یهودیان به فلسطین اشغالی دفاع کرد و از دولت مرکزی یهودیان (اسرائیل) حمایت همه‌جانبه کرد. این نگرش الهیاتی و منجی‌باورانه به

۱. مرقس، ۱۳: ۲۴-۲۶.

۲. برای مطالعه بیشتر، رک: هدایتی، فاطمه و محسن نورائی، «بررسی تطبیقی پیشگویی‌های



یهودیان و حاکمان اسرائیل، سبب شده که حمایت آمریکا از اسرائیل، صرفاً جنبه سیاسی نداشته باشد و رنگ و بوی مذهبی و آخرالزمانی نیز به خود بگیرد.^۱

نتیجه:

منجی باوری از جمله تعالیم مشترک میان اسلام و مسیحیت است. مسیحیان منتظر ظهور حضرت عیسی علیه السلام هستند و مسلمانان منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه. مسلمانان معتقدند که حضرت عیسی علیه السلام و بسیاری از افراد دیگر نیز همراه با امام زمان ظهور خواهند کرد و ایشان را در نهضت عدالت خواهانه و توحیدی، یاری می نمایند. بسیاری از نشانه های ظهور در منابع مسیحی، مشترک با نشانه های ظهور در منابع روایی شیعه است؛ از جمله خروج دجال، جنگ آرماگدون و پُر شدن جهان از ظلم و فساد و بلایای طبیعی و رخدادهای عجیب آسمانی. صهیونیست های مسیحی که بخش قابل توجهی از مسیحیان آمریکایی هستند، بر این باورند که ظهور حضرت عیسی نزدیک است و باید آماده ظهور ایشان شد و بسترهای مناسب را فراهم کرد.

کلمات کلیدی:

نشانه های ظهور، منجی باوری در ادیان الهی، دجال، آرماگدون، صهیونیسم مسیحی.

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: دوست محمدی، احمد و محمد رجیبی، «درآمدی بر زمینه های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی»؛ مظفری، آیت، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان».



۵. جنگ آرماگدون

پرسش:

منظور مسیحیان از جنگ آرماگدون در آخرالزمان چه چیزی است و در چه زمان و مکانی رخ می‌دهد و چه گروه‌هایی باهم می‌جنگند و آیا حضرت عیسی نیز در آن جنگ حضور دارند؟ آیا در منابع روایی ما نیز به این نبرد اشاره شده است و می‌توان به صورت تطبیقی آموزه‌های اسلام و مسیحیت را در این زمینه بررسی کرد؟

پاسخ:

در سال‌های اخیر، مباحث آخرالزمانی و فرجام شناسانه، رونق شگرفی یافته و بسیاری از مطالعات سیاسی، نظامی، اجتماعی و دینی را تحت تأثیر خود قرار داده است. فرجام شناسی از موضوعات مورد توجه در هندسه اعتقادی ادیان ابراهیمی بوده و هرکدام به فراخور آموزه‌های خود، تصویری متفاوت و گاه مشابه، از وقایع آخرالزمانی را پیش روی مخاطب قرار می‌دهند. در این میان، واقعه ظهور حضرت عیسی در مسیحیت با مسئله جنگ نهایی و ویرانگر که از آن بانام «آرماگدون» یاد می‌شود، مرتبط بوده و از نظر مسیحیان خصوصاً مسیحیان انجیلی (ایونجلیست‌ها) که شعبه‌ای از پروتستان را تشکیل می‌دهند، آرماگدون جنگ مقدسی است که برای ظهور حضرت عیسی ضرورت دارد.^۱

۱. جهان احمدی، آزاده، «موعود شناسی تطبیقی در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام»، ص ۸۲ -



با این مقدمه به سراغ سؤال یادشده رفته و پاسخ آن را در قالب چند نکته تقدیم می‌کنیم:

نکته اول:

«آرماگدون»^۱ واژه‌ای انگلیسی است که از کلمه «هارماجدون»^۲ در زبان یونانی گرفته شده که هرچند امروزه این کلمه برای هر رویارویی قاطع و گسترده به کار می‌رود، ولی در اصطلاح خاص، به معنای «نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان» است.^۳

در کتاب مقدس، این کلمه تنها یک‌بار به کار رفته و مراد از آن نیز نام مکانی (کوهی) است به زبان عبری که در روز نبرد آخرین، پادشاهان در آن جمع می‌شوند.^۴

در بسیاری از تفاسیر کتاب مقدس، آرماگدون به‌عنوان نمادی از روز بزرگ الهی است که خداوند خشم عادلانه و مقدس خود را بر گناهکارانی که در

^۱. Armageddon

^۲. Harmagedōn

^۳. فرهنگ لغات انگلیسی ماریان وبستر، مدخل: Armageddon

(<https://www.merriam-webster.com/dictionary/Armageddon>)

^۴. Then they gathered the kings together to the place that in Hebrew is called Armageddon.

(مکاشفه یوحنا، ۱۶: ۱۶)



صف شیطان قرار داشته و هنوز از کار خود پشیمان نشده‌اند، فرو خواهد ریخت.^۱

نکته دوم:

تفاسیری که حول محور «آرماگدون» و جزئیات آن بیان شده است، آکنده از تناقضات و نکات ناهماهنگ بوده و عبارات کتاب مقدس نیز به گونه‌ای نیست که بتوان مفهوم و معنای روشنی را از آن پیش روی مخاطب گذاشت.

برخی مکان بودن آرماگدون را منکر شده و نگاهی نمادین به آن دارند، ولی برخی معتقدند که «آرماگدون» همان شهر «مگیدو»^۲ [یا مجیدو] در حدفاصل، سوریه، فلسطین و مصر است که کتاب مقدس این شهر را سابقاً ملک کنعانیان دانسته و بیان داشته است که یوشع این شهر را با حوالی آن به تسخیر درآورده است.^۳

به دلیل زبان بسیار نمادین و حتی رمزی کتاب مقدس در این خصوص، برخی از محققان مسیحی به این نتیجه رسیده‌اند که آرماگدون باید مکانی استعاری و مجاز گونه باشد، نه یک مکان حقیقی.^۴ و برخی نیز بر این

^۱. Roger Chapman, "Premillennial Dispensationalism", in *Culture Wars: An Encyclopedia of Issues, Viewpoints, and Voices*, ۱۸, p. ۵۱۷.

^۲. Megiddo.

^۳. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۷۸۴.

^۴. James B. Jordan, *Biblical Horizons*, No. ۸۵, Archived ۲۰۱۰-۰۸-۰۱ (<https://biblicalhorizons.com/biblical-horizons/no-85-some-observations>).



باورند که «آرماگدون» در حقیقت، نماد هر نبردی است که در آن، هنگامی که نیاز مؤمنان به پیروزی به اضطرار کشیده شده و عن قریب به طور طبیعی، شکست برایشان محقق می‌شود، خداوند ناگهان با تمام قوا به نفع مؤمنان مضطر، ظهور کرده و بسیاری از ملائکه را برای نابودی دشمنان گسیل می‌دارد و البته ظهور اصلی و حقیقی آن، مربوط به نبردی است که در آخرالزمان میان مسیحیان و ضد مسیحیان به فرماندهی شیطان صورت می‌پذیرد. هنگامی که مؤمنان از سر عجز و مظلومیت فریاد بی می‌آورند و سپس ناگهان، مسیح بر ابرهای جلال ظاهر خواهد شد تا قوم خود را نجات دهد؛ که این همان آرماگدون است.^۱

نکته سوم:

طبق آنچه در کتاب مقدس بیان شده است، نبرد آرماگدون توسط حضرت عیسی علیه‌السلام به پیروزی خواهد انجامید و در نبرد نهایی، مسیح، با قدرت الهی خود، دجال و پیامبر دروغین را شکست خواهد داد و ایشان را به دریاچه آتش خواهد انداخت و شیطان به مدت ۱۰۰۰ سال در سلطنت هزارساله مسیح بر روی زمین در گودالی محصور خواهد شد.^۲ بنابراین، طبق آموزه‌های مسیحیت، آخرین جنگ بزرگ، در زمان رستاخیز و رجعت دوباره مسیح به عالم دنیا اتفاق خواهد افتاد.

^۱ Hendriksen, William, *More Than Conquerors: An Interpretation of the Book of Revelation*, p. ۱۶۳.

^۲ مکاشفه یوحنا، ۱۷: ۱۹ و ۲۰: ۳.



ایشان علاوه بر عهد جدید با استناد به فقراتی از عهد قدیم، تصویری دهشتناک از این نبرد آخرالزمانی را در قالب معنای حقیقی و نه تمثیلی‌اش ترسیم می‌کنند. در این تصویر خدا از انتقام سختی از دشمنان خود و اسرائیل سخن می‌گوید و نوشیدن خون رهبران جهان و خوردن گوشت جنگاوران پس از ذبح آنان را (همچون قوچ و بره و بزها) وعده می‌دهد.^۱

نکته چهارم:

از منظر تطبیقی برخی معتقدند آرماگدونی که از آن سخن می‌گویند، همان حادثه‌ی عظیمی است که پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه رخ خواهد داد، همان حادثه بزرگی که ائمه ما، نام «نبرد قرقیسیا» را بر آن اطلاق کرده‌اند.^۲

به‌عنوان نمونه، در روایتی منسوب به امام باقر علیه‌السلام درباره ارتباط نبرد قرقیسیا و خروج سفیانی این‌گونه آمده است که:

«سپاهیان سفیانی از قرقیسیا عبور خواهند کرد و در آنجا به نبرد خواهند پرداخت، پس صد هزار نفر از ستمگران در آنجا به قتل خواهند رسید. آنگاه سفیانی سپاهی را به سوی کوفه روانه می‌سازد که تعداد آن‌ها به هفتاد هزار نفر می‌رسد».^۳

۱. همچون کتاب مقدس، عهد عتیق، کتاب حزقیال، فرازهای ۳۸-۳۹.

۲. هدایتی، فاطمه، «بررسی تطبیقی پیشگویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت»،

ص ۲۳۳.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ص ۲۳۷.



در صحیحی می‌سیر از امام باقر علیه‌السلام نقل است که فرمودند: «ای میسر از اینجا تا قرقیسا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکی‌ها در ساحل فرات قرار دارد». سپس فرمودند: «اما در این ناحیه واقعه‌ای اتفاق خواهد افتاد که زمانی که خداوند متعال آسمان‌ها و زمین را آفریده بی‌سابقه بوده، چنان‌که تا وقتی آسمان‌ها و زمین برپا هستند هم واقعه‌ای هم چون آن اتفاق نخواهد افتاد... سفره‌ای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر شوند».^۱

در نتیجه، از منظر تطبیقی، می‌توان نبرد قرقیسیا را که از علائم ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است همان نبرد نهایی آرماگدون دانست.

نکته پنجم:

باور به «آرماگدون» و نبرد نهایی میان خیر و شر، تنها در سطح مطالعات الهیاتی خلاصه نشده و سوبه‌های سیاسی و نظامی نیز به خود گرفته است. به‌عنوان مثال حمایت‌های بی‌دریغ آمریکا از اسرائیل که مرکز تجمع و تمرکز فرق پروتستانی مانند مسیحیت ایونجلیستی و تقدیر گرایان است، فقط ناشی از حفظ منافع سیاسی و اقتصادی آمریکا در منطقه خاورمیانه نیست و بخش اعظم این حمایت‌ها از بنیان‌های اعتقادی مسیحیت یهودی، مسیحیت صهیونیستی و بنیادگرایی در آن کشور نشئت گرفته است.^۲

^۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ص ۲۹۵.

^۲. جهان احمدی، آزاده، «موعود شناسی تطبیقی در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام»، ص ۸۶.



از سوی دیگر، صهیونیسم، با تمسک به پاره‌ای از مطالب کتاب مقدس و نسبت دادن تفسیر آن‌ها به آرماگدون، جنگ جهانی خانمان‌سوز را به امری قدسی و ایمانی تبدیل کرده است و در پس آن، اهداف شوم خود را به‌عنوان مقدمات این حادثه معرفی می‌کند و کشیش‌های ایوانجلیک را بر آن گمارده است تا با تبلیغات بسیار گسترده و ساختن برنامه‌های متعدد تلویزیونی در شبکه‌های جهانی این باور را در میان مردم دنیا و به‌ویژه ایالات‌متحده نهادینه کنند که تحقق این حادثه ناگزیر خواهد بود و چون این حادثه مقدمه ظهور مسیح‌ای موعود است باید مقدمات وقوع آن را فراهم کنیم و از جمله مقدمات آن بازگشت یهود به ارض موعود (فلسطین) و برپایی حکومت یهودی در آن سرزمین و نیز تخریب مسجدالاقصی و بازسازی هیکل سلیمان در جای آن است.^۱

نتیجه:

از آنچه بیان شد روشن می‌شود که آرماگدون، ناظر به واقعه نبرد نهایی میان نیروهای الهی و شیطانی در آخرالزمان است که امروزه تفاسیر نمادین بسیاری حول آن شکل گرفته و سویه‌های نظامی و سیاسی به خود یافته است. در این نبرد که با رستاخیز و رجعت دوباره مسیح، همراه است، نیروهای شیطان به‌کلی نابود شده و حکومت معتقدان به کتاب مقدس، حکم‌فرما خواهد شد. شاید بتوان وقایع آرماگدون را با آنچه در متون روایی اسلامی در خصوص نبرد قریسیا آمده است تا حدودی منطبق دانست و

۱. سیاح، حسین، «آرماگدون و مسیحیت صهیونیستی»، ص ۵۷.



شباهت‌هایی میانشان یافت، اما نمی‌توان با قطعیت، از یکی بودنِ آنها سخن گفت.

کلمات کلیدی:

آرماگدون، آخرالزمان، علائم ظهور، ظهور مسیح، نبرد قرقیسیا.



کتابنامه

قرآن کریم

۱. اسمارت، نینان، تجربه دینی بشر، ترجمه محمدرضایی و ابوالفضل محمودی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۳ش.
۲. توسلی رکن‌آبادی، مجید و زهره سعیدی، «مسیحیت اسرائیلی: بررسی ظهور و گسترش مورمونیزم»، مجله پژوهش‌های علم و دین، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ش، شماره ۲.
۳. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ش.
۴. توفیقی، فاطمه، «کلیسای مورمون»، مجله هفت‌آسمان، ۱۳۸۱ش، شماره ۱۶.
۵. جوانشیر، موسی، «مقایسه‌گونه شناسی موعود مسیحیت با موعود شیعه»، انتظار موعود، دوره ۱۱، فروردین ۱۳۹۰ش، شماره ۳۴.
۶. جهان احمدی، آزاده، «موعود شناسی تطبیقی در ادیان یهود، مسیحیت و اسلام»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اسفند ۱۳۸۹ش.



۷. دوست محمدی، احمد و محمد رجبی، «درآمدی بر زمینه‌های پیدایش و مبانی عقیدتی مسیحیت صهیونیستی»، فصلنامه سیاست، بهار ۱۳۸۸ش، شماره ۱.
۸. سیاح، حسین، «آرماگدون و مسیحیت صهیونیستی»، اندیشه تقریب، پاییز ۱۳۸۸ش، شماره ۲۰.
۹. شیروودی، مرتضی، «مسیحیت انجیلی، تشیع ایرانی و آینده بشریت»، فصلنامه مشرق موعود، تابستان ۱۳۸۵ش، شماره ۱.
۱۰. صاحب خلق، نصیر، «مسیحیت صهیونیستی»، مجله موعود، اسفند ۱۳۸۲ش، شماره ۴۲.
۱۱. صادق نیا، مهرباب، رضا کاظمی راد، «مقایسه نقش موعودباوری در پیدایش دو فرقه مورمونیسیم و شیخیه»، مجله پژوهش‌های ادیانی، زمستان ۱۳۹۲ش، شماره ۲.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به تحقیق غفاری علی‌اکبر، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، تهران: نشر اسلامیه، بی‌تا.
۱۴. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، تهران: نشر اساطیر، چ ۲، ۱۳۸۳ش.



۱۵. مظفری، آیت، «مسیحیت صهیونیستی و آینده جهان»، مجله حصون، ۱۳۸۶ ش، شماره ۱۲.

۱۶. مولند، اینار، جهان مسیحیت، ترجمه: محمدباقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.

۱۷. میشل، توماس، کلام مسیحی، مترجم حسین توفیقی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۶ ش.

۱۸. هالسل، گریس، تدارک جنگ بزرگ (بر اساس پیش‌گویی‌های انبیای بنی‌اسرائیل)، ترجمه خسرو اسدی، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷ ش.

۱۹. هدایتی، فاطمه و محسن نورائی، «بررسی تطبیقی پیش‌گویی‌های آخرالزمان در اسلام، یهودیت و مسیحیت»، فصلنامه مشرق موعود، ۱۳۹۵ ش، شماره ۳۸.

۲۰. هلال، رضا، «مسیح یهودی و فرجام جهانی»، ترجمه قیس زعفرانی، ماهنامه موعود، ۱۳۸۲ ش، شماره ۴۱.

۲۱. Bebbington, David W, *Evangelicalism in Modern Britain: A History from the ۱۷۳۰s to the ۱۹۸۰s*, London: Routledge, ۱۹۹۳.

۲۲. Burr, Elizabeth And Smith, David Whitten And Burr, Elizabeth Geraldine, *Understanding World Religions: A Road Map for Justice and*



- Peace, USA: Rowman & Littlefield, ۲۰۰۷, p. ۱۰۹.
۲۳. Hanks, Maxine with Jean Kinney Williams, *Mormon Faith in America, Mircea Eliade*, The Encyclopedia of Religion, ۲۰۰۳.
۲۴. Hendriksen, William, *More Than Conquerors: An Interpretation of the Book of Revelation*, USA, Michigan, Baker Publishing Group, ۲۰۱۰.
۲۵. James B. Jordan, *Biblical Horizons*, No. ۸۵, Archived ۲۰۱۰-۰۸-۰۱ (<https://biblicalhorizons.com/biblical-horizons/no-۸۵-some-observations>).
۲۶. Roger Chapman, *Premillennial Dispensationalism*, in *Culture Wars: An Encyclopedia of Issues, Viewpoints, and Voices*, London, Routledge, ۲۰۱۰.
۲۷. Smith, Gregory A. Masci, David, "۰ facts about U.S. evangelical Protestants", Pew Research Center, March ۳, ۲۰۱۸.
۲۸. Sweet, Leonard I, *The Evangelical Tradition in America*, Mercer University Press, ۱۹۹۷.
۲۹. Wood, William W, *Culture and Personality Aspects of the Pentecostal Holiness Religion*, Mouton & Company, ۱۹۶۰.



دفتر تبلیغات اسلامی
حوزه علمیه قم

اشاره کردید که چند میلیون سؤال از شما شده است، غالباً خیلی از سؤال کنندگان جوان‌ها و دانشجوها هستند. این کار خوبی است، البته این سنتی بوده که از قبل در حوزه وجود داشته است. ممکن است یک نفر سؤال کند اما این سؤال در ذهن هزار نفر باشد توصیه من در مورد این سؤال‌ها این است که اینها را تدوین کنید، چاپ کنید و به شکل‌های خوب در اختیار جوان‌ها و دانشجوها بگذارید و بگویید این سؤال‌ها شده، جواب‌هایش اینها است؛ به نظر یکی از کارهای واجب این است.

